

## ماهیت سه گانه فرهنگ ایران و ره آورد آن در تربیت دینی

# Triple Nature of Iran's Culture and its Outcomes in Religious Education

Samaneh Khalili\*, Khosrow Bagheri\*\*,  
Shahin Irvani\*\*\*, Nametollah Fazeli\*\*\*\*

Received:4/Mar/2015 Accepted:15/Jul/2015

سمانه خلیلی، خسرو باقری، شهین  
ایروانی، نعمت‌الله فاضلی

دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۴

### Abstract

Each society in accordance with the terms of culture that roots in tradition, history and value perspective: will be different from other societies. "Iran's society" due to these specific cultural factors is also an amalgam of "Ancient Iranian culture", "Islamic culture" and the "western or modern culture". It seems that "the Iranian and Islamic" cultures so mixed together that are inseparable but can not be connected properly with the third aspect of the modern condensation. This triple nature has been effective in various aspects of life in "Iranian individuals". This frame and rule governs within education system so that it covers various aspects. In "Iran's society" religious dimension is the most important aspect which is the result of the fusion of religion in social issues. The importance of interaction between "religion and life" by reviews of several years of Iran's history indicate the presence of religion in various ways in several affairs of Iranian life. Religious education with this three-folded nature confronts some challenges. The purpose of this paper is to clarify aspects of Iranian culture and its impact on religious education. Therefore, the research questions are: 1. What are the basic elements of Iran's contemporary culture and their relationships?; 2. what are the opportunities and challenges for religious education regard to this fusion of Iran's culture? and 3. what are the principles and ways to improve the process of religious education regard to this fusion of Iran's culture? The research method is analytical descriptive. Accordingly, at first level the three-folded nature of "Iranian culture" will be described and then these three aspects will be analyzed. Finally, an analysis tries to look at the principles and methods in order to meet the challenges of religious education derived.

**Keywords:** Iranian Culture, Islamic Culture, Western Culture, Modernity, Religious Education.

### چکیده

هر جامعه به مقتضای شرایط فرهنگی که ریشه در سنت‌ها، تاریخ و دیدگاه‌های ارزشی آن دارد، از سایر جوامع متفاوت خواهد بود. جامعه ایران نیز به واسطه عوامل فرهنگی خاصی که دارد، ملغمه‌ای از فرهنگ ایران باستان، فرهنگ اسلام و فرهنگ غرب است. به نظر می‌رسد در این فرهنگ دو وجه «ایرانی و اسلامی» چنان با هم درآمیخته‌اند که تفکیک‌ناپذیر می‌نمایند، اما هنوز با وجه سوم یعنی مدرن‌شدگی به درستی پیوند نخورده‌اند. این ماهیت سه‌گانه در وجوه مختلف زندگی فرد ایرانی، تأثیرگذار بوده است. تربیت نیز از این قاعده مستثنی نیست. بویژه اینکه مفهوم تربیت ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد. یکی از این ابعاد مهم، در جامعه ایران، بعد دینی است. این امر در نتیجه آمیختگی دین در مسائل اجتماعی است. اهمیت آمیختگی دین و زندگی تا اندازه‌ای است که بررسی تاریخ چندین ساله ایران حکایت از حضور دین به‌عنوان مختلف، در شئون مختلف زندگی دارد. تربیت دینی در چنین ماهیت سه‌گانه‌ای با چالش‌هایی روبرو است. هدف این مقاله مشخص نمودن ابعاد فرهنگ ایران و تأثیر آن بر تربیت دینی است. بنابراین، پرسش‌های پژوهش عبارتند از: ۱. عناصر اساسی فرهنگ کنونی ایران چیست و چه نسبتی با هم دارند؟ ۲. فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگ امتزاجی ایران برای تربیت دینی چیست؟ ۳. با نظر به فرهنگ امتزاجی ایران چه اصول و روش‌هایی به‌منظور بهبود روند تربیت دینی می‌توان پیشنهاد داد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس، ابتدا به توصیف ماهیت سه‌گانه فرهنگ ایران و سپس به تحلیل این سه جنبه پرداخته می‌شود. در نهایت، با نگاهی تحلیلی سعی خواهد شد اصول و روش‌هایی در راستای رفع چالش‌های تربیت دینی استنتاج شود.

**کلید واژگان:** فرهنگ ایران، فرهنگ اسلام، فرهنگ غربی و

مدرن، تربیت دینی.

\*Ph.D. student of Philosophy of education, Faculty of Tehran University.

Email: samane.khalili@gmail.com

\*\*Professor of Tehran University

Email: khbagheri@ut.ac.ir

\*\*\*Assistant Professor of Tehran University

Email: siravani@ut.ac.ir

\*\*\*\* Associate Professor of Allameh Tabatabaee University

Email: nfazeli@hotmail.com

\*دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)  
Email: samane.khalili@gmail.com

\*\*استاد دانشگاه تهران

Email: khbagheri@ut.ac.ir

\*\*\*استادیار دانشگاه تهران

Email: siravani@ut.ac.ir

\*\*\*\*دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

Email: nfazeli@hotmail.com



## مقدمه

تربیت دینی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. همان‌طور که دین را می‌توان از دو منظر درون‌دینی و برون‌دینی مورد بررسی قرار داد، تربیت دینی نیز دو وجه درونی و بیرونی دارد. وجه درون‌دینی، شامل عواملی است که ناظر بر ساحت‌های درونی دین هستند و دینداری مستلزم رعایت آن‌ها است، مانند اصول دین و رعایت تمام دستوراتی که فرد با پذیرش دین، ملزم به رعایت آن‌ها است. عوامل برون‌دینی اما، متأثر از عوامل خارجی هستند که می‌توانند بر دین تأثیرگذار باشند، مانند محیط خانواده، مدرسه، گروه همسالان و مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه. این عوامل به‌طور مستمر بر دین تأثیرگذار بوده و کیفیت آن را تغییر می‌دهند.

در تربیت دینی نیز، وجه درونی آن، مربوط به درون متربی، ویژگی‌ها، نیات و نگرش او است. درحالی‌که وجه بیرونی، شامل عوامل دخیل در تربیت دینی، مانند خانواده، مدرسه، مربیان، شرایط اجتماعی و فرهنگی و غیره است.

در دنیای امروز، با پیشرفت دانش و تکنولوژی و هجوم فرهنگ‌های بیگانه از هر سو، نیاز وافر به درک صحیح تربیت دینی و ارتباطی که می‌تواند با فرهنگ داشته‌باشد احساس می‌شود. زیرا سرگردانی فرهنگی از دستیابی به تربیت دینی کارآمد، جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، عدم تحقق تربیت دینی و پاسخگویی به نیازهای معنوی نسل جدید، منجر به سردرگمی افراد و بروز آسیب‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین، توجه به جلوه‌های مختلف فرهنگ و شناخت نقشی که می‌تواند در بهبود تربیت دینی داشته‌باشد، حائز اهمیت است.

در این مقاله، با توجه به اهمیت فرهنگ و نقش عمده‌ای که می‌تواند در تربیت دینی داشته‌باشد، همچنین با توجه به ضرورت بررسی هم‌زمان تأثیر عناصر درونی و بیرونی دین بر تربیت دینی، ابتدا،

ارتباط دین و فرهنگ بررسی شده و سپس، نقش فرهنگ در تربیت دینی مورد توجه قرار گرفته‌است. به این ترتیب که، ابتدا نسبت بین فرهنگ و دین بررسی شده، سپس ویژگی‌های فرهنگ ایران و عناصر مهم سازنده آن، مورد توجه قرار گرفته‌است. در نهایت نسبتی که بین این عناصر وجود دارد از دو منظر تفوقی و تلفیقی امتزاجی بررسی شده و راهکارهایی به‌منظور بهبود روند تربیت دینی ارائه گردیده است.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. عناصر اساسی فرهنگ کنونی ایران کدام‌اند و چه نسبتی با یکدیگر دارند؟

۲. فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگ امتزاجی ایران برای تربیت دینی چیست؟

۳. با توجه به فرهنگ امتزاجی ایران، چه اصول و روش‌هایی به‌منظور بهبود روند تربیت دینی می‌توان پیشنهاد داد؟

در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته‌است. پس از توصیف ماهیت سه‌گانه فرهنگ ایران، به تحلیل این جنبه‌ها پرداخته شده و در نهایت، با نگاهی تحلیلی اصول و روش‌هایی در راستای رفع چالش‌های تربیت دینی استنتاج شده است.

## نسبت بین دین و فرهنگ

در بررسی نسبت بین دین و فرهنگ، می‌توان به شقوق مختلفی اشاره نمود. پیروزمند (۱۳۸۵) در بحث نظریه‌پردازی نسبت دین و فرهنگ به سه نسبت اشاره می‌کند: اول اینکه دین محصول فرهنگ است. در این حالت دین یکی از نهادهای زیرمجموعه فرهنگ و ساخته‌وپرداخته انسان است. در این دیدگاه، که نمایندگان آن، آگوست کنت و هافستد هستند، دین در خدمت فرهنگ است. در حالت دوم، دین از عوامل فرهنگ‌ساز به‌شمار می‌رود. در این دیدگاه دین یکی از اجزای فرهنگ است و در عرض آن قرار دارد و دین در

نموده و اشاره می‌کند که با وجود اینکه این دو کشور هر دو مسلمان هستند، اما تفاوت‌های زیادی با هم دارند و در حقیقت، اسلام در این دو بستر، عملکرد متفاوتی داشته‌است. این نکته حاکی از آن است که دین به تنهایی نمی‌تواند منشأ فرهنگ‌سازی باشد.

در نهایت، در حالت سوم که دین، یکی از عوامل فرهنگ‌سازی، تلقی می‌شود، باید به تبیین رابطه و نسبت دین و فرهنگ با یکدیگر پرداخت. در این حالت، دین و فرهنگ در تبادل با یکدیگر قلمداد می‌شوند و در رابطه‌ای متقابل، عناصری را از هم می‌گیرند و به هم اضافه می‌کنند.

گیرتر، دین را نظامی فرهنگی معرفی می‌کند، نظامی نمادین که نظم منسجمی از هستی ارائه می‌دهد و از این راه، عواطف و انگیزه‌های دینداران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نمادهای اعتقادات و فعالیت‌های دینی، نظامی از ارزش‌ها را فراهم می‌آورد که الگویی از آنچه که هست و آنچه باید باشد، ارائه می‌دهند. گیرتر معتقد است، جنبه آرمانی دین، هم به تغییر و کنترل وضعیت موجود جامعه می‌پردازد و هم چهره‌ای از آنچه در عمل باید در جامعه وجود داشته باشد را نشان می‌دهد. بنابراین، نظام نمادین که فرهنگ، سازنده آن است، نه منحصراً بازتاب صرف ساختارهای اجتماعی، و نه کاملاً مستقل از آن است. در واقع، این نظام‌های نمادین پاسخی به مسئله معنا هستند که در تجارب واقعی انسان مانند شر، رنج و نظیر این‌ها ظهور می‌یابند. زندگی بر پایه آیین‌های این نظام نمادین ساختار پیدا می‌کند، جهان‌بینی که ارائه‌دهنده عقاید و آرمان‌های کلی است، حاصل می‌شود و نظام اخلاقی ارائه می‌گردد (گیویان، به نقل از گیرتر، ۱۳۸۶: ۹۰-۱۱۲).

نکته دیگری که باید در بحث ارتباط دین و فرهنگ در نظر داشت، توجه به لایه‌های مختلف فرهنگ است. لایه اول فرهنگ، مربوط به جهان‌بینی است و از نوع تفکر، باور و اندیشه است. لایه دوم، مربوط به ارزش‌ها

فرهنگ‌سازی و فرهنگ در دین‌سازی اثرگذار است. البته در این دیدگاه دین تنها به محدوده اخروی و فردی محدود است و از آن فراتر نمی‌رود. پیروزمند، این دیدگاه را حاصل نظریه جامعه‌زدایی دورکیم و نماینده این دیدگاه را فخر رازی، بازرگان و سروش می‌داند و معتقد است چنین نگرشی تفسیری ناقص از فرهنگ و دین به دست می‌دهد. وی در نهایت، حالتی را عنوان می‌کند که در آن، دین منشأ فرهنگ‌سازی و در تمام شئون فردی، اجتماعی و تاریخی حاضر است. همچنین فرهنگ و دین در بخش‌های اخلاقی، ارزشی و اعتقادی با هم قرابت و نزدیکی دارند. در چنین حالتی با توجه نبود تفسیر ثابت از دین، اعتقاد به تکامل پدیده فرهنگ و تبیین درست و منطقی از ارتباط بین فرهنگ متغیر و دین ثابت، می‌توان حضور دین را در بخش‌های مختلف فرهنگ‌سازی مورد توجه قرار داد. پیروزمند برای روشن شدن تأثیر دین در فرهنگ، در سه بخش فرهنگ عمومی، تخصصی و بنیادی این مسئله را مورد بررسی قرار داده و اعتقاد دارد که دین می‌تواند منشأ فرهنگ‌سازی قرار گیرد و در هر سه حیطه تأثیرگذار باشد.

در تحلیل حالت‌های ذکرشده، نکاتی قابل توجه است. از جمله اینکه دین نمی‌تواند محصول فرهنگ باشد. به این دلیل که، در برخی امور مستقل از فرهنگ و شرایط زیستی است. همچنین دین نمی‌تواند ساخته بشر باشد زیرا دین اعتبار خود را از ماهیت مافوق بشری‌اش می‌گیرد و این همان چیزی است که در اعصار مختلف، نیاز به آن در انسان احساس شده‌است.

حالت دیگر اینکه، دین منشأ فرهنگ‌سازی قلمداد شود. دین می‌تواند فرهنگ خاصی را به وجود آورد، اما این فرهنگ آمیخته با شرایط زیستی است. همان‌طور که کلیفورد گیرتر<sup>۱</sup> (۱۹۷۱) در کتاب «اسلام، آن‌طورکه مشاهده‌شده»، اسلام اندونزی را با اسلام مراکش مقایسه



۱۳۷۹، شایگان، ۱۳۸۰ و جهانگللو، ۱۳۸۱، ثاقب‌فر ۱۳۸۳ و سریع‌القلم (۱۳۸۳).

سروش معتقد است: «ما ایرانیان مسلمان مقیم ایران، حامل و وارث سه فرهنگ هستیم و تا نسبت خود را با این سه فرهنگ، معین نکنیم و ندانیم که در کجا و کدام جغرافیای فرهنگی زندگی می‌کنیم، به‌خوبی از عهده عمل سازنده فرهنگی و اجتماعی برنخواهیم آمد» (سروش، ۱۳۷۰: ۷۱).

این سه‌گانگی در فرهنگ ایران، حاکی از سه دوره تاریخی است. وجه ایرانی آن حاصل از دوره ایران باستان است که زرتشت و آموزه‌های آن با زندگی مردم عجین شده‌بود. در حقیقت، در ایران باستان، تربیت دینی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و آداب و رسوم خاصی متناسب با دین و تربیت دینی، در جامعه اجرا می‌شده است. قرن‌ها بعد، وجه مدرن تربیت دینی از دوره قاجار و مراوده با فرهنگ غرب شروع شده و دغدغه‌های آن تا به امروز ادامه داشته است.

بررسی تاریخ ایران نشان می‌دهد، در دوره‌های مختلف زمانی، این سه عنصر (ایرانی، اسلامی و غرب) در نسبت‌های مختلفی با یکدیگر قرار گرفته‌اند. بر این اساس، می‌توان از دو نسبت «هست» و «بایدی» در فرهنگ ایران سخن گفت. رویکرد تفوقی که در عرصه‌های مختلف تاریخ ایران حاکم بوده و رویکرد امتزاجی که حالت بایدی و ایده‌ال این نسبت است.

#### ۱) رویکرد تفوقی

در این رویکرد، بر حسب شرایط اجتماعی و اقتضائات آن، یک وجه بر سایرین سبقت گرفته و برتری می‌یابد و دو وجه دیگر به حاشیه رانده شده و یا مورد کم‌توجهی قرار می‌گیرند. این مسئله در تاریخ ایران قابل بررسی است.

وقایع تاریخی گذشته ایران حاکی از آن است که اهمیت و تأکید بیش از اندازه بر هر یک از این وجوه، مشکلاتی را ایجاد نموده است. در حقیقت، آغاز تضاد

است که منتج از لایه اول است و معیارهایی برای قضاوت در اختیار قرار می‌دهد. لایه سوم، مربوط به الگوهای رفتاری، هنجارها و رفتارهای نهادهای مختلف خانواده، مدرسه، دین و سیاست و نظیر این‌ها است. در نهایت، لایه چهارم یا سطحی‌ترین لایه، مربوط به نمادهای کلامی و غیرکلامی است (ادیب، ۱۳۸۷).

با در نظر داشتن این لایه‌ها، حیطة اثرگذاری دین را می‌توان در بخش‌های عمیق‌تر، آنجاکه مربوط به جهان‌بینی و ارزش‌هاست، دانست که در امتزاج با عناصر دیگر فرهنگ، لایه‌های بیرونی‌تر را می‌سازند تا در نهایت، آنچه در جامعه به‌عنوان رفتارهای اجتماعی روی می‌دهد، مشاهده شود.

در نتیجه، دین و فرهنگ تبادلات و تعاملات زیادی با یکدیگر دارند و در فرایند کنش و واکنش با یکدیگر شکل می‌گیرند و حیات جامعه را تأمین می‌کنند. این امر، به‌ویژه در جوامع اسلامی که دین نقش مهمی در ارکان مختلف جامعه ایفا می‌کند، حائز اهمیت است. در حقیقت، در جوامع اسلامی دین به‌شکل یکی از نظام‌های اثربخش و قدرتمند فرهنگ جلوه می‌نماید. در جامعه‌ای نظیر ایران این اثربخشی به وضوح قابل غور و بررسی است.

بررسی تاریخ ایران، نشان از حضور دین در عرصه‌های زمانی مختلف، در فرهنگ این سرزمین دارد. سرشت ایرانیان با دین پیوندی ناگسستنی دارد. چنانکه در ایران باستان دین زرتشت، و از آن پس تا امروزه، دین اسلام، حضور بسیار پررنگی در فرهنگ و زندگی مردم این کشور داشته و دارند. در این بخش به‌منظور وضوح بخشیدن به این ارتباط، به بررسی ماهیت فرهنگ ایران پرداخته می‌شود.

#### ماهیت فرهنگ ایران و رویکردهای حاصل از آن

مروری بر متون موجود در باب هویت و هویت ملی در جامعه ایران، حاکی از حضور سه عنصر ایران، اسلام و غرب است. (سروش، ۱۳۷۰، داوری اردکانی،

اصلاحات و نوسازی فرهنگی رضاشاه بر سه پایه ناسیونالیسم باستان‌گرا، تجددگرایی و مذهب‌زدایی استوار بود. رضا شاه به منظور اصلاحات، سعی داشت ایران مدرن را به ایران باستان پیوند زند و اسلام را از صحنه خارج سازد. در راستای دستیابی به این مقصود ملیت ایرانی را با روزهای درخشان پادشاهان هخامنشی دوره ساسانیان، پیوند زد. همچنین، با طرح این ایده که ورود اسلام و اعراب، موجب تحقیر مردم ایران شده و آن‌ها مجبور به پذیرش مذهبی نو شده‌اند سعی داشت با احیای بُن مایه‌های زرتشتی، به مقابله با غلبه اسلام بپردازد. از تبعات این دیدگاه، معماری متفاوت ساختمان‌ها و بازگشت به سبک دوره هخامنشی، پالایش زبان فارسی از واژگان عربی، تغییر نام‌های عربی به فارسی، تغییر نام کشور از پارس به فارس، مبارزه با نفوذ روحانیت و به‌طور کلی، تضعیف اسلام بود. این سیاست در دوره محمدرضا شاه هم به شیوه‌ای ملایم‌تر ادامه یافت (کبیری، ۱۳۸۹).

در دوره پهلوی، تضاد میان نظام آموزشی سنتی (مکتب‌خانه و مدرسه)، افزایش یافت و سعی در برچیدن مکتب‌خانه و جایگزینی آن با مدارس بود. از سوی دیگر، مراکز آموزشی جدید نظیر دانشگاه تهران، گسترش پیدا کردند. در این دوره، بسیاری از محصلین برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام شدند و بحث اقتباس و تقلید رونق گرفت و به نوعی از فرهنگ اسلامی و ایرانی فاصله گرفته شد (تکمیل، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۲).

همگام با این تغییر و تحولات، اندیشمندانی ظهور کردند که هر یک به‌نحوی به این شرایط واکنش‌های مثبت یا منفی نشان دادند. از جمله صادق هدایت که بر بیگانه‌ستیزی و به‌ویژه عرب‌ستیزی، پرستش نژاد ایرانی، ضدیت با اسلام به‌عنوان دینی غیرایرانی و ستایش دین زرتشت بر بازگشت به سنت ایرانی، تأکید داشت (آجودانی، ۱۳۷۱). آل احمد نیز با نشر کتاب‌هایی نظیر «غرب‌زدگی» و «مدیر مدرسه»، به ترسیم فضای آن

جدی و غلبه عنصری بر عناصر دیگر در اعصار معاصر، بیشتر نمود پیدا کرده‌است.

سروش (۱۳۸۴) در این رابطه مثالی را مطرح می‌سازد. وی معتقد است، داستان جدایی هویت ملی و اسلامی از یکدیگر، نظیر حکایت شاگردان و معلم ریش بلند است. آن‌ها برای خلاصی از معلم خود پرسیدند: «شما شب، هنگام خواب، ریشتان را روی لحاف می‌گذارید یا زیر لحاف؟» و معلم، هنگام خواب دچار مشکل شد. زمانی که ریش خود را زیر لحاف می‌گذاشت راحت نبود و زمانی که روی لحاف، باز هم نمی‌توانست بخوابد. او تمام شب، بدون اینکه لحظه‌ای خوابیده‌باشد، به این فکر می‌کرد که شب‌های قبل چگونه خوابیده. سروش، با ذکر این مثال، نتیجه می‌گیرد تا مدت‌ها وجه اسلامی و ایرانی فرهنگ در هم سنتز شده بودند و هیچ‌کس مشکلی نداشت. اما درست زمانی که درباره تقدم آن‌ها سؤال به میان آمد، دچار ابهام و محل اختلاف شد (سروش، ۱۳۸۴: ۳۲).

نکته مهمی که در این سخن نهفته‌است، تفکیک فرهنگ ایران است که از زمان مطرح شدن مدرن‌شدگی، صورت گرفت. بحث آشنایی با کشورهای مدرن از زمان صفویه مطرح شد. اما در آن زمان به دلیل قوت جریان شیعه و تسلط وجه مذهبی، چندان قدرت مانور نیافت و در دوره‌های بعد، یعنی قاجار و پهلوی تأثیر عمیق‌تری بر جایی گذاشت.

بحران هویت ایرانی-اسلامی، در واقع زمانی ایجاد شد که ایران شکست‌های پی‌درپی و جبران‌ناپذیر را در جنگ با روسیه متحمل گردید و به تبع قراردادهای ننگین ترکمانچای و گلستان بخش‌هایی از خاک ایران واگذار شد. از این زمان بود که تجدد و تقلید از آن و دخالت اروپاییان در دربار آغاز شد. رفته‌رفته مخالفت علما با این امر شروع شد. این مخالفت‌ها بعد از انحراف مشروطیت، شدت گرفت و در نهایت، ناهمخوانی هویت دینی جامعه با مفاهیم غیرمذهبی غرب آشکار شد (زریری، ۱۳۸۴).



حاکمی از این است که اسطوره‌های ملی نظیر شاهنامه و جشن‌های ملی نظیر عید نوروز، شب یلدا و نظیر این‌ها مورد کم توجهی قرار گرفته‌اند.

تحقیق صالحی عمران و رضایی (۱۳۸۷) که با در نظر داشتن سه وجه ملی، مذهبی و فرهنگ غرب در فرهنگ ایران، کتاب‌های درسی دوره راهنمایی را مورد بررسی قرار دارند حاکمی از این است که از مجموع دروس دوره راهنمایی، در ۲۹۹ درس با ۹۳۱ صفحه به مقوله دینی و مذهبی، در ۹۶ درس با ۱۶۱ صفحه با مقوله باستانی و ملی و در ۲۱ درس با ۴۶ صفحه به ارزش‌های فرهنگ غرب توجه شده‌است. یافته‌های این پژوهش، نشان از توجه بیش از اندازه بر وجه مذهبی در مقایسه با وجوه دیگر فرهنگ دارد.

با وجود اینکه یافته‌های پژوهش‌های مختلف، حاکمی از تأکید بر وجه مذهبی فرهنگ ایران است، این تأکید به جای آنکه بر بحث شناخت دین و درک جنبه‌های مختلف آن باشد، در بسیاری موارد محدود به مناسک و ظاهر دین شده‌است.

موسی‌پور (۱۳۷۰) در ارزشیابی شیوه ارائه محتوای کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی مقطع ابتدایی، نشان داده‌است که در تربیت دینی، شیوه ارائه مطالب به نحو آموزش فعال و متناسب با سطح درک و توانایی دانش‌آموزان، نبوده‌است.

فیاض (۱۳۸۷) در تحقیق خود نتیجه گرفته‌است که ارزش‌های اسلامی و ایرانی در محتوای کتاب‌های درسی، چندان مورد توجه نبوده و متناسب با اصل مداومت و توالی به صورت هدفمند و نظام‌دار ارائه نشده‌است. او معتقد است که ارزش‌های مطرح شده در کتاب‌های درسی باید باورپذیر، واقع‌بینانه، قابل الگوبرداری و متناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموزان باشد و در دنیای عینی و عملی دانش‌آموزان کاربرد داشته‌باشد.

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که کتاب‌های درسی بر وجه دینی تأکید دارند و کانون توجه مریبان

زمان و مواجهه با غرب‌زدگی پرداخت. وی معتقد بود غرب‌زدگی همچون بیماری است که باید آن را درمان کرد. آل احمد بر این باور بود که «تخصصی که غرب می‌پرورد، شخصیت به همراه ندارد و این مسئله نقطه شروع ماست. یعنی سعی در تربیت متخصص با شخصیت داشته باشیم» (آل احمد، ۱۳۴۱: ۱۲۵).

از سوی دیگر، متفکرانی نظیر شریعتی و مطهری، سعی در احیای اندیشه‌های مذهبی به حاشیه رانده شده و بازگشت به خویشتن اسلامی داشتند. در نتیجه، تلاشی که به ویژه در دوره پهلوی برای نابودی وجه اسلامی فرهنگ ایران صورت گرفت، خود زمینه‌ساز انقلاب اسلامی ایران، شد. این بار بر احساسات مذهبی و بازگشت به اندیشه‌های ناب اسلامی، نام‌های مذهبی و نظیر این‌ها تأکید شد.

رجایی (۱۳۹۱) معتقد است در دوره پهلوی ساختار جدیدی حاکم شده بود که به تجدد اهمیت وافری می‌داد و از صنعت و علم جدید حمایت می‌کرد اما به ارزش‌های بومی و سنتی توجه نمی‌شد. نتیجه این رویکرد، ظهور انقلاب بود (رجایی، ۱۳۹۱: ۲۸) او اشاره می‌کند که در حال حاضر، اسلام و سنت مورد توجه قرار گرفته‌اند و این عناصر دیگر هستند که به حاشیه رانده شده‌اند. نتیجه این رویکرد نیز، پدیده فرار مغزها و مهاجرت استعدادها است (رجایی، ۱۳۹۱: ۶۸).

### چالش‌های حاصل از رویکرد تفوقی

با توجه به این شواهد تاریخی که حاکمی از شکست رویکرد تفوقی به فرهنگ ایران است، تبعات این رویکرد در دوره معاصر بر تربیت به‌طور عام و تربیت دینی به‌طور خاص، جای بررسی دارد.

### الف) تأکید بیش از اندازه بر وجه مذهبی فرهنگ

اسلامی بودن ایران و حضور اسلام در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر به تأکید بر وجه مذهبی فرهنگ ایران و توجه کمتر به سایر جنبه‌های آن شده‌است. تحقیق ملاصادقی (۱۳۷۸)

در پژوهشی دیگر، بیش از ۵۵ درصد نوجوانان تهران، احساس مطلوب و خوشایندی نسبت به آگاهی درباره حوزه تمدن ایران داشته و از شنیدن نام مکان‌هایی نظیر بلخ، سمرقند، بخارا، سیچون و جیجون احساس خوشایندی نشان دادند. این امر، حاکی از مطالبه نسل جوان در باب هویت ملی آن‌ها است (حاجیان، ۱۳۷۹).

تحقیقات دیگر نشان دادند که در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، توجه متعادلی به هویت ملی نشده است (صالحی، ۱۳۸۶). همچنین کتاب‌های تاریخ دوره دبیرستان در تقویت هویت ملی، عملکرد ضعیفی (عبدی و لطفی، ۱۳۸۷). بررسی اهداف آموزشی سه مقطع، نشان می‌دهد که در اهداف تصریح شده برای نظام آموزشی ایران، هویت ملی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست (لقمانی‌نیا و خاسمان، ۱۳۸۹).

بنابراین، کم‌توجهی به هویت ملی دانش‌آموزان، مسئله مهمی است که در نظام آموزشی ما چندان جدی گرفته نشده است. در چنین فضایی، انتظار بیش از اندازه‌ای است که بخواهیم در برابر سایر فرهنگ‌ها صبغه مذهبی و ملی ایران را حفظ نماییم.

#### ج) تهاجم فرهنگی و مقابله با مدرن‌شدگی

عامل دیگری که چالشی مهم در راه تربیت دینی محسوب می‌شود، ورود فرهنگ غرب و مدرن‌شدگی در ابعاد مختلف زندگی ایرانی است. این امر در جامعه امروز، به شکل تهاجم فرهنگی و تماماً با وجه منفی آن مطرح می‌شود. این، در حالی است که پیشرفت تکنولوژی و علم در ابعاد مختلفی رخ داده و از پیامدهای مدرن‌شدگی است. تربیت دینی باید همگام با مدرن‌شدگی و پیشرفت در زمینه‌های مختلف علمی-اجتماعی، خود را منطبق با نیازهای روز جوانان و جامعه ایرانی تعالی بخشد.

به عبارت دیگر، در قرن بیست و یکم، باید تربیت دینی را امری بدانیم که یارای مقابله با چالش‌های این قرن را داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، ساخت‌زدایی

همین بخش است. این در حالی است که، توجه به این بخش هم کاستی‌هایی دارد. یعنی در آموزش وجه دینی، بیشتر بر جنبه‌های نظری تأکید می‌شود و کمتر به مراحل رشد و تناسب مطالب با سطح درک دانش‌آموزان توجه شده است. از سوی دیگر، در جریان این انتقال، دانش‌آموز حالت منفعل داشته و تنها دریافت‌کننده است و کمتر نقش فعالی در یادگیری ایفا می‌نماید. در نتیجه، آموزشی را تجربه می‌کند که چندان جذاب نیست.

توجه بیش از اندازه و یا توجه بر وجه نظری موجب شده که کمبود پرداختن به بعد ایرانی، به روشنی احساس شود. این امر به‌ویژه در نسل جوان بیشتر بروز دارد و بسیاری بر احیای وجه ایرانی و سنت‌های ایرانی تأکید دارند که در این بخش به این مقوله پرداخته خواهد شد.

#### ب) کم‌توجهی نسبت به سنت‌های ایرانی و وجه ملی فرهنگ

از دیگر چالش‌هایی که در جامعه ایران به چشم می‌خورد، غفلت از وجه و سنت‌های ایرانی فرهنگ است. این امر موجب می‌شود، نسل‌های جدید احساس وابستگی و همبستگی با میراث فرهنگی خود را از دست داده و به راحتی پذیرای فرهنگ‌های دیگر شوند. همزمان، با توجه بیش از اندازه، به ابعاد مذهبی و غفلت از ابعاد ایرانی فرهنگ، مشکلات اعتقادی و پایبندی اخلاقی نیز تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. این در حالی است که، تربیت دینی نیازمند توجه به ابعاد مختلف رشد فرد و محکم‌سازی ارتباط او با گذشته و سنت‌های اخلاقی جامعه است و هر چه در این راه عمیق‌تر حرکت کند، استلزامات اخلاقی تربیت دینی را بیشتر پیش خواهد برد.

نتایج حاصل از تحقیق طالبی (۱۳۷۸) حاکی از پایین بودن احساس تعلق به هویت ملی در تمام دوره‌های تحصیلی و عدم توانایی نظام آموزشی در ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ایرانی است.



درک نمی‌کنند، انجام نمی‌دهند و ۳۴ درصد معتقد هستند آن دسته از آموزه‌ها و باورهای دینی که با عقل انسان سازگاری ندارند، باید کنار گذاشته شوند. نکته دیگر اینکه، پابندی به اعمال فردی و جمعی دین در بین دانشجویان ترم‌های بالاتر نسبت به ترم‌های پایین‌تر دانشگاه کمتر است و گرایش آن‌ها به دین خصوصی، تکرگرای در دین و برخورد گزینشی با دین بیشتر است (توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵).

محمدرضا آهنکوب‌نژاد (۱۳۸۸) از پژوهش خود چنین نتیجه گرفته‌است که با افزایش سن جوانان در جامعه، تاحدی بُعد اعتقادی و عاطفی دین‌داری در آن‌ها، ضعیف‌تر می‌شود. در مجموع یافته‌های جانبی پژوهش وی، نشان‌دهنده ضعف روند موجود دینداری در جامعه و کاهش دینداری در میان جوانان و دانشجویان است.

حسین‌زاده (۱۳۸۹) عوامل آسیب‌زای تربیت دینی در بین جوانان و دانشجویان را شامل شبهات دینی، عدم درک نیازها و مشکلات جوانان، ناکارآمدی کانون‌های تربیت دینی، سهل‌انگاری والدین و فضای ریزوماتیک می‌داند.

بنابراین، از چالش‌های مهم تربیت دینی که حاصل فرهنگ غرب و مدرن‌شدگی بوده‌است، می‌توان به جدایی دین از ابعاد مختلف زندگی، خصوصی‌سازی دین، عقل‌محوری و غیره، اشاره نمود. مسائلی که در صورت اغماض از آن‌ها، انحطاط و آسیب‌های اخلاقی فراوانی به بار خواهد آمد. به‌منظور حل این معضلات، نیازمند نگاهی اعتدال‌گرا در عرصه‌های مختلف فرهنگ و به تبع آن، تربیت دینی هستیم. این بحث در رویکرد امتزاجی مورد توجه قرار گرفته‌است.

## ۲) رویکرد امتزاجی

در این بخش، درصدد ارائه نگاه امتزاجی به فرهنگ ایران و آشتی دادن این جوه با یکدیگر خواهیم بود. در حقیقت، مسئله مهم این است که اختلالات به‌وجود آمده در تربیت دینی، ناشی از نگاه افتراقی به فرهنگ

است که ساختارهای مفهومی موجود در تربیت دینی را مورد تردید و سؤال قرار می‌دهد (باقری، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۹)

از پیامدهای مدرن‌شدگی و جریان‌های فکری، می‌توان به مواردی اشاره نمود. به‌عنوان مثال، لیبرالیسم سفارش به حذف تربیت دینی از مدارس دارد (گوتگ، ۱۳۸۴: ۲۶۳). پست‌مدرنیسم معتقد است افراد در درون دین تربیت نمی‌شوند، بلکه مانند دیگر حوزه‌های دانش تنها به کسب اطلاعات درباره آن اکتفا می‌کنند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۳). بسیاری دیگر از جریان‌های فکری معاصر نیز سعی دارند دین را از عرصه اجتماعی به عرصه خصوصی کشانده و به این تربیت نفوذ آن را در اجتماع محدود سازند (کاظمی، ۱۳۸۳: ۲۱). برخی نیز سعی دارند دین را در حد یک راهکار معنوی، برای رویارویی با موقعیت‌های دشوار و مشکلات، کم‌اهمیت جلوه‌دهند و کارکرد دیگری برای آن قائل نیستند (بشیری، ۱۳۸۳: ۱۶).

به لحاظ جامعه‌شناسی، برای تعیین برنامه‌های آموزشی و تربیتی باید به شرایط اجتماعی هر دوره زمانی، توجه داشت. از جمله شرایطی که جامعه امروز ایران با آن روبرو است، گسترش دیدگاه‌هایی است که تربیت دینی را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. این جریان‌های فکری و دیدگاه‌های جدید، منجر به تغییر نگرش نسبت به دین و باورهای دینی جوانان شده است. در واقع، پیشرفت روزافزون علم و دانش و مدرن‌شدگی، فرهنگ دینی و فرهنگ مدرن را در تقابلی سخت قرار داده‌است.

تحقیقی که در دانشگاه صنعتی امیرکبیر انجام شده، نشان می‌دهد که، نوع نگرش دانشجویان به اعمال فردی و به‌ویژه اعمال جمعی دین، در حال تغییر است. یعنی، بسیاری از دانشجویان مناسک فردی و جمعی دین را انجام نمی‌دهند. همچنین برخورد گزینشی به‌ویژه در احکام شرعی دین رواج پیدا کرده است. برای مثال، ۴۲ درصد پاسخگویان، بخش‌هایی از احکام شرعی را که برای‌شان موجه نیست و دلیل انجام آن را نمی‌دانند یا



در وجه ایرانی فرهنگ، آیا منظور از وجه ملی، عقب‌گرد و بازگشت به دوره ایران باستان است یا احیای ویژگی‌های مثبت موجود در فرهنگ ایران و آشنایی با جلوه‌های بارز اخلاقی و ایرانی است؟ آیا در وجه ایرانی نباید ویژگی‌های منفی را شناخت و در جهت رفع آن‌ها از بایدهای دین مدد گرفت؟ آیا بایدهای دینی هست‌های رفتاری جامعه را نمی‌تواند جهت دهد؟ و اگر می‌تواند چگونه؟

در وجه مدرن‌شدگی و نحوه برخورد با فرهنگ‌های دیگر، آیا باید تهاجم فرهنگی و غرب‌زدگی را به کار برد یا بحث تبادل فرهنگی؟ آیا می‌توان از مدرن‌شدگی اجتناب کرد در حالیکه مدرن‌شدگی ناخواسته وارد جامعه شده‌است؟ آیا در این وجه به مدد بایدهای دینی و فرهنگ ملی پویا، می‌توان به‌صورت گزینشی، با فرهنگ غرب و مدرن‌شدگی برخورد کرد؟ آیا جز این است که مدرن‌شدگی ابتدا بر سطوح بالاتر فرهنگ اثر گذاشته و رفته‌رفته در لایه‌های زیرین نفوذ می‌کند، یعنی ابتدا ظاهر زندگی، نحوه رفتار و برخوردها را تغییر داده و سپس دیدگاه‌ها را دگرگون می‌کند؟

به نظر می‌رسد در راستای پاسخ به این سؤالات، هریک از سه وجه باید در جایگاه خود شناخته‌شده و نقش خود را ایفا نمایند. آیا لازم است این سه وجه درست به حالت تساوی با یکدیگر قرار داشته‌باشند یا نه، باید به‌صورت متوازن قرار گیرند؟ این توازن را چه چیز معین می‌کند. به‌نظر می‌رسد در تدوین جایگاه میزان اثربخشی هریک از این وجوه، باید به جایگاه آن‌ها در لایه‌های مختلف فرهنگ توجه نشان داد.

در این رویکرد، وجه دینی فرهنگ در لایه‌های عمیق و تجویزی مانند هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی و ارائه معیارهای اخلاقی، نقش مهمی ایفا می‌کند که ماهیتی بایدی دارد و شرایط ایده‌آل جامعه را ترسیم می‌کند. لایه فرهنگ ملی، وجه توصیفی دارد و به ارائه الگوهای رفتاری و هر آنچه متجلی است اعم از صفات

بوده‌است. فرهنگ و هویت یک جامعه، بر مبنای مسائل مهم و باورهای جمعی افراد ساخته می‌شود. بنابراین، غفلت از هر وجه می‌تواند نابسامانی‌هایی را ایجاد کند.

سروش (۱۳۷۰)، معتقد است فرهنگ دینی، فرهنگ قومی و فرهنگی غربی، به‌تنهایی کاری از پیش نخواهند برد (سروش، ۱۳۷۰: ۸۱).

رجایی (۱۳۹۱)، به‌منظور روشن ساختن اهمیت رگه‌های مختلف فرهنگ ایران، مثال جالبی را به‌کار می‌برد: «ایران باستان، پدر و مادربزرگ، دوره اسلامی پدر و مادر و دوران معاصر، خود ما هستیم. سنت هم اسطوره خانوادگی ما است. از هیچ کدام نمی‌توان، و نباید غافل بود. وگرنه، مصداق به‌شاخه نشستن و بُن بریدن، می‌شویم» (رجایی، ۱۳۹۱: ۳۹).

بنابراین، فرهنگ ایرانی نیازمند این است که وجه ملی و مذهبی‌اش مورد توجه قرار گیرد و در دیالکتیکی مناسب با فرهنگ غرب قرار داشته‌باشد. نگاه امتزاجی به فرهنگ، درصدد دستیابی به رویکردی متوازن به عناصر فرهنگی تأثیرگذار بر هویت ایرانی، است. در این نگاه، سنت‌های ایرانی، دیدگاه‌های اسلامی و مدرن‌شدگی، به‌نوعی، به‌همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر رسیده‌اند و حیات آن‌ها در هماویزی با یکدیگر معنا می‌یابد. چنانچه هر یک از این سه وجه، دچار نابسامانی شود، دیگر وجوه نیز آسیب خواهند دید.

### چالش‌های حاصل از رویکرد امتزاجی

کاربست رویکرد امتزاجی با دشواری‌هایی همراه است. از مهم‌ترین چالش‌های این رویکرد، شناخت حیطه‌های اساسی و کارآمد این سه وجه است. برای مثال، باید به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر بود: در وجه دینی فرهنگ، عرصه اثرگذاری دین در چه محدوده‌ای قرار دارد؟ آیا دین تنها محدود به بخش جهان‌بینی و تجویزها است؟ آیا دین تنها به دنیای پس از مرگ می‌پردازد یا برای دنیای این جهان هم فکری اندوخته‌است؟



## الف) بهره‌گیری مناسب از قابلیت‌های تعلیمی و

### تربیتی دین

تربیت، از ارکان مهم رشد و تحول هر انسان به‌شمار می‌رود و از همان دقایق اولیه حیات انسانی، این فرایند مهم آغاز می‌گردد. تربیت ابعاد مختلف و جنبه‌های گوناگونی دارد که بر حسب شرایط انسان متفاوت هستند. در اهمیت و وصف تربیت همین بس که کانت معتقد است: «تعلیم و تربیت بزرگ‌ترین و دشوارترین مسائل مبتلی به انسان است» (کانت، ۱۳۶۳: ۷).

یکی از عوامل مهم در تربیت، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب و درک ویژگی‌های هر مرحله از حیات انسان است. تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعداد‌های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۴).

دکتر شکوهی در بحث تربیت انسان، مراحلی را مطرح نموده که توجه به این مراحل و ویژگی‌های هر کدام از آن‌ها می‌تواند نکات قابل توجهی را در بحث تربیت به‌طور عام و تربیت دینی به‌طور خاص، مشخص نماید. او معتقد است که تربیت در انسان، شامل مراحل پرستاری، تأدیب، تعلیم و در نهایت تربیت است. مرحله پرستاری، رفع نیازهای اولیه و حفظ حیات انسان را مورد توجه قرار می‌دهد، زیرا نوزاد انسان از جمله ناتوان‌ترین نوزادان در میان سایر جانداران بوده و نیازمند حمایت است. در حقیقت، این مرحله نازلترین بخش تربیت و پر اهمیت‌ترین آن است. زیرا تا حیات انسان تأمین نشود، مراحل دیگر معنا ندارند. مرحله پرستاری، مساوی است با حیات سائقی در انسان که تحت‌الشعاع نیازها و غرایز وی قرار دارد.

در گام بعدی، تأدیب آغاز می‌شود. در این مرحله، تأدیب برابر است با شروع بحث ارزشگذاری و انتخاب از سوی مربی و همچنین شروع جنبه منفی تربیت یعنی حذف رفتارهای نامطلوب. حیات انسان در این زمان «اراده مسبوق به کشش»، نام دارد. یعنی اراده انسان

مثبت و منفی که برابندی است از گذشته و حال، می‌پردازد. وجه مدرن‌شدگی، باید مانند چتری چتری در نظر گرفته‌شود که از بیرون، بر هر دوی این‌ها سایه افکنده. در واقع این وجه از بیرون لایه‌های فرهنگ، وارد شده و به‌تدریج در آن نفوذ می‌کند. وجه مدرن‌شدگی، گاهی عناصر «بایدی» را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و گاه عناصر «آستی» را. به‌منظور شناخت عنصر مدرن‌شدگی و درک ماهیت آن، نخست باید سایر ابعاد فرهنگ ایران، یعنی وجه اسلامی و ملی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، درک شود. سپس نسبتی که می‌توانند با مدرن‌شدگی پیدا کنند مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت، شناخت حالتی متوازن به دست‌خواهد آمد که در آن، هر عنصر، به اندازه نیاز و متناسب با احتیاجات جامعه در جای خود قرار می‌گیرد. دشواری‌های این رویکرد، عبارت است از تشخیص عناصری از هر وجه که باید مورد توجه قرار گیرند.

در نهایت اینکه، مرزها باید با هم امتزاج پیدا کنند. هیچ کدام از سه وجه فرهنگ، تنها محدود به لایه خود نماند و وجه دینی، ملی و مدرن‌شدگی آن، به شیوه‌ای مناسب، درهم آمیزند.

### راهکارهای دستیابی به رویکرد امتزاجی

به‌منظور دستیابی به رویکرد امتزاجی در فرهنگ ایران و در راستای بهبود روند تربیت دینی، اصول و روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

#### ۱. اصل توجه به ابعاد مختلف تربیت دینی

از مهم‌ترین عناصری که می‌توان در بحث تربیت دینی مطرح نمود، توجه به ابعاد مختلف وجودی انسان و پرورش آن‌ها است. در حقیقت، تربیت دینی صحیح، تربیتی است که به رشد همه‌جانبه انسان یاری رساند و با غفلت از برخی وجوه، همراه نباشد. به‌ویژه اینکه در دنیای مدرن امروزی توجه به رشد ابعاد مختلف انسان، بسیار مهم است. در راستای دستیابی به این اصل مهم می‌توان به روش‌های زیر اشاره نمود.

بُعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۰ و ۶۹-۵۷).

تربیت دینی شکل خاصی از تربیت است، با تمام ویژگی‌های عام آن. به این ترتیب، انتظار می‌رود که تربیت دینی نیز به‌عنوان شکلی از تربیت، از همان مراحل ابتدایی حیات و در جریان مراحل پرستاری، تأدیب، تعلیم و تربیت، مورد توجه قرار گیرد.

تربیت دینی، عبارت است از مجموعه اعمال هدفدار، به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین، به‌نحوی که افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند (داوودی، ۱۳۸۳: ۲۶).

تربیت دینی را می‌توان فرایندی دانست که ضمن آن تلاش می‌شود با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، زمینه‌ای فراهم‌شود تا مرتبی در جهت شکوفایی و رشد استعدادهای فطری و دینی، گام بردارد (ماهرزاده، ۱۳۸۵: ۳۶).

باید توجه داشت که آشنایی با دین و آموزه‌های دینی با تربیت دینی برابر نیست. بلکه، تنها زمانی که آموزه‌های دینی سبب تغییر نگرش و ایجاد چشم‌انداز شناختی در فرد شوند، تربیت دینی انجام گرفته‌است (کار، ۱۹۹۸: ۵۸).

با در نظر گرفتن نکات بالا و تعاریفی که از تربیت و تربیت دینی به‌دست آمد، به‌نظر می‌رسد می‌توان تربیت دینی را اینطور تعریف کرد: تربیت دینی، تربیتی است که از مراحل ابتدایی حیات انسان آغاز شده و هم‌گام با تکامل جلوه‌های مختلف انسان، پیش می‌رود. در مراحل آغازین تربیت دینی، مربی و محیط تربیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و رفته‌رفته اهمیت خود فرد، بیشتر می‌شود. تربیت دینی، در جستجوی کمال، به دنبال آگاهی و شناخت واقعی است. سرچشمه این جست‌وجو و طلب، در درون خود مرتبی است. تعقل، اراده، انتخاب و جست‌جوگری مرتبی در دریافت تربیت دینی دخیل است. همچنین، توجه به جنبه‌های

تحت‌تأثیر احساسات و کشش‌ها قرار دارد و هنوز حالت منطقی و عقلانی به خود نگرفته‌است. مرحله بعدی تربیت در انسان، تعلیم است. در این بخش که جنبه مثبت تربیت، یعنی آموزش و اضافه کردن دانش مرتبی است، مهارت‌ها و دانش‌هایی که مرتبی در زندگی و پیشبرد آن لازم دارد، آموزش داده می‌شود.

مقارن با تعلیم، حیات انسان رفته‌رفته وارد «اراده مسبوق به خرد»، می‌گردد. به این‌صورت که تفکر منطقی و آموختن، جلوه‌هایی می‌یابد و مجاللی برای ظهور و پیشرفت پیدا می‌کند. درست از همین زمان است که تربیت و راه‌های وصول به کمال آغاز می‌شود. در حقیقت، تربیت بالاترین مرحله در درک ارزش‌های انسانی، الزام درونی، جستجوی کمال و دستیابی به سعادت است که انسان آزادانه در آن راه گام بر می‌دارد (شکوهی، ۱۳۸۳: ۳۴-۵۲ و شریعتمداری، ۱۳۸۶: ۱۲-۲۲).

نکته‌ای که در رابطه با این مراحل باید در نظر داشت، این است که می‌توان آن‌ها را به نحوی پیوستاری در نظر گرفت، به این شکل که در طول حیات انسان هیچ کدام از این مراحل به صفر نمی‌رسد اما درجه اثر آن تفاوت پیدا می‌کند.

| * پرستاری         | * تأدیب | * تعلیم             | * تربیت             |
|-------------------|---------|---------------------|---------------------|
| مربی محور         | <-----> | مرتبی محور          | مربی محور           |
| ناآگاهانه         | <-----> | آگاهانه             | آگاهانه             |
| الزام بیرونی      | <-----> | الزام درونی         | الزام درونی         |
| متمرکز بر حال     | <-----> | توجه به آینده       | توجه به آینده       |
| توجه به جنبه فردی | <-----> | توجه به جنبه انسانی | توجه به جنبه انسانی |

ازسوی دیگر، تربیت باید به جنبه‌های مختلف حیات انسان توجه نماید و سعی در پرورش انسانی همه‌جانبه داشته‌باشد. تربیت به معنای پرورش استعدادهای انسان است. این استعدادهای عبارت‌اند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت‌جویی) استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بُعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بُعد هنری و ذوقی یا



قسمت‌های مختلف ارزش‌ها، سنن و نهادهای اجتماعی می‌گذارد (گیرتز، ۱۹۷۳: ۱۳۱).

نقطه مقابل فردگرایی افراطی، گروه‌گرایی افراطی است. حالتی که در آن، فرد با عضویت در گروه، فردیت خویش را به دست فراموشی می‌سپرد. چنین امری نیز مخاطره‌انگیز است. تعصبات حزبی، جزمیت‌گرایی مذهبی، جنگ‌های و جدال‌های شدید بین گروهی، عدم امکان گفت‌وگو و تبادل نظر از پیامدهای گروه‌گرایی افراطی هستند.

بنابراین، لازم است در تربیت دینی اعتدال را در نظر گرفت و از مضرات خصوصی‌سازی و گروه‌گرایی‌های افراطی در امان بود. در حقیقت، فرد باید در حالتی از رفت‌وآمد میان فردیت خود و اجتماع قرار داشته‌باشد. یا به‌نوعی، بیاموزد که در «میان جمع، تنها باشد». یعنی هم به قابلیت‌های فردی و اعتقادات و باورهای خود پایبند باشد و هم به ارزش‌ها و باورهای اجتماعی. در جامعه دینی، افراد بیاموزند که هیچ یک از این دو فدای دیگری نکنند.

### ج) روش آشکار نمودن جلوه‌های دنیوی دین

یکی از ابعاد مهم تربیت دینی، جنبه دنیوی آن است. برخی معتقدند که دین، تنها ناظر بر بُعد اخروی است و برای دنیا حرفی برای گفتن ندارد. برخی دیگر نیز دین را در حدّ نیازهای مادی پایین می‌کشند و یا از دایره امور اجتماعی بیرون می‌رانند.

واژه سکولار، تعبیری است که از قرن هفدهم میلادی به بعد، در میان دانشمندان غرب، همراه با نهضت اصلاح دینی رایج شد و معمولاً به‌معنای تفکیک مفاهیم دینی از امور دنیوی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تفکر که بر اثر تحکم و سخت‌گیری‌های غیرمنطقی اصحاب کلیسا در اروپای قرون وسطی، به‌وجود آمده‌است، قطعاً نمی‌تواند برای همه جوامع دینی و برای همه ادیان درست باشد (الیاده، ۱۳۷۴: ۱۲۴). سریع‌القول، معتقد است که دین مخزنی از باورها و اصول در

فردی و اجتماعی آن و ارتباط با پیشرفت‌های مختلف در زمینه دانش بشری و اندیشمندان دیگر، در دست‌یابی به تربیت دینی، حائز اهمیت است. تربیت دینی پیش‌رونده است و باید با مقتضیات زمان و مکان پیش رود و خود را احیا کند.

بنابراین، باید به جلوه‌های مختلف تربیت دینی توجه داشت و نقش متربی و درونی‌سازی تربیت فراموش نکرد. به‌نظر می‌رسد یکی از اشکالات مهم در جامعه ایران، محدودشدن تربیت دینی به جنبه تعلیمی و غفلت از ویژگی‌های تربیتی آن است. به همین سبب است که هر چه از مراحل ابتدایی آموزش به سمت مراحل دبیرستان و آموزش عالی پیش می‌رویم، با سست شدن دیدگاه‌های دینی و تنزل کیفیت آن مواجه می‌شویم.

### ب) روش بسط ابعاد اجتماعی تربیت دینی و مواجهه با خصوصی‌سازی و گروه‌گرایی در تربیت دینی،

از جمله نتایج مهم مدرنیسم، فردی‌سازی دین است. وینچ<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، معتقد است که خارج شدن دین و گزاره‌های دینی از قلمرو جمعی و محدودشدن آن به قلمرو فردی، از پیامدهای اومانیسم و عقل‌باوری مدرنیته است. از دیدگاه مدرنیسم، گزاره‌های دینی نقشی در کشف حقیقت و تبیین پدیده‌های جهان ندارند. بنابراین، کمکی به درک هستی و کنترل پدیده‌ها نمی‌کنند. در نتیجه، دین تنها می‌تواند نقشی عاطفی در حیطه فردی ایفا نماید.

کلیفورد گیرتز، معتقد است که دین فرآورده‌ای جمعی است و نه فردی. او اینطور استنباط می‌کند که همانطور که اگر صحبت از فرهنگ خصوصی باشد، دچار تناقض ذاتی می‌شویم، دین خصوصی هم غیرممکن به نظر می‌رسد. همچنین، اگر چه دین برای خدمت به فرد آمده‌است، اما در خدمت اجتماع نیز هست. در واقع، با خدمتی که به فرد می‌کند، به‌نحوی به جامعه نیز، یاری می‌رساند. بیشترین اثربخشی دین در حیطه جهان‌بینی است و تأثیری که بر

۲. سخنرانی دکتر خسرو باقری، دانشگاه تهران

1. Winch

که شب عبادت می‌کنیم تا روز آدم‌های خوبی باشیم، به عکس روز آدم‌های خوبی باشیم تا شب بتوانیم عبادت کنیم». فرق بین دین دنیوی و اخروی، دقیقاً در همین است (سروش، ۱۳۸۴: ۵۶ و ۸۳).

امام خمینی (ره)، در این رابطه اشاره می‌کنند که «اسلام دینی نیست که برای یک طرف قضیه فکر کرده باشد، اسلام همه اطراف قضایا را بیان کرده است. تمام احکام مربوط به دنیا و مربوط به سیاست، مربوط به اجتماع، اقتصاد و تمام قضایایی که اهل دنیا از آن بی‌اطلاع هستند. ادیان توحیدی آمده‌اند تا هر دو طرف قضیه را نگاه‌کنند، چنین نیست که از یک طرف غافل باشند. خصوصاً اسلام که از همه ادیان بیشتر در این معنا پافشاری دارد» (صحیفه نور، ج ۹: ۱۳۹-۱۳۵).

بنابراین، وضوح بخشی به جلوه‌های دنیوی دین و کارکردهای آن در زندگی می‌تواند بسیار موثر باشد. نمودهای بارز اخلاقی نظیر راستگویی، صداقت، رعایت حقوق دیگران، غیبت نکردن، کسب روزی حلال، پرهیز از رقابت‌های ناسالم در عرصه زندگی و نظیر این‌ها مصداق‌های بارز توجه به جنبه‌های دنیوی دین هستند. به عبارت دیگر، دینی که در دنیا به عمل نیاید، در آخرت هم نتیجه‌ای نخواهد داشت. بخش وسیعی از دین عمل کردن به آن و نمود آن، در کردارهای فردی است.

## ۲. اصل توجه به نقش هویت ملی در تربیت دینی

همانطور که اشاره شد، هویت ملی و ویژگی‌های ایرانی فرهنگ، یکی از عناصر مهم سازنده فرهنگ ایران است که باید مورد توجه قرار گیرد، و غفلت از آن می‌تواند تبعاتی نظیر فراموشی تاریخ گذشته کشور و میراث فرهنگی حاصل از آن، در پی داشته باشد. در حقیقت، مورد توجه قرار دادن سنت‌های ایرانی و نسبتی که با دیدگاه‌های دینی دارند، می‌تواند هم‌سویی این دو وجه را نمایان ساخته و به عمق‌بخشی و احساس تعلق به این عقاید یاری رساند. به منظور حصول به این اصل روش زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

جست‌وجوی برقراری تعادل میان قوای انسانی است. اما نکته اینجا است که همواره بخشی از دین اولویت پیدا می‌کند. برای مثال، از متون دینی هم می‌توان تمدن‌سازی را برداشت کرد، هم ژهد و قناعت، هم علاقه به کار و ثروت و هم فاصله‌گیری از دنیا را. متون دینی هم ماهاتیر<sup>۱</sup> را تولید می‌کند و هم بن‌لادن<sup>۲</sup> را.

فرد دیندار از ثروت و قدرت روگردان است و آن را فساد می‌داند. این امر منجر به وجود نوعی نگاه حداقلی می‌شود. در جامعه‌ای که چنین دیدگاهی وجود داشته باشد، انگیزه‌ای برای رشد و پیشرفت وجود ندارد و افراد تسلیم سرنوشت و تقدیر هستند. این در حالی است که کشورهایمانند ترکیه و مالزی با چنین دیدگاهی مبارزه و میل به پیشرفت را در افراد جامعه خود نهادینه کرده‌اند.

روحیه کنجکاوی، پرسش، ابداع، سعی و خطا، بناکردن و نگاه تمدنی به زندگی، ریشه در علایق وسیع به دنیا و حیات کیفی دارد. اگر دنیا اهمیت خود را در ضمیر ناخودآگاه فرد از دست بدهد، ثروت و قدرت نیز قابلیت نخواهد داشت و با گذشت زمان، رکود، محافظه‌کاری فرهنگی و مقاومت در برابر تغییر، فلسفه حاکم بر زندگی خواهد بود. بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه، دارای استراتژی‌های بقا هستند. در مقابل، به نظر می‌رسد ترکیه، مالزی و امارات متحده عربی، تنها کشورهای مسلمان‌نشین هستند که استراتژی رشد و توسعه را در پیش گرفته‌اند. شاید بتوان این کشورها را نمونه‌هایی دانست که نشان می‌دهند چگونه می‌توان در عین قدرت و وفور ثروت، اخلاقی نیز رفتار کرد (سریع القلم، ۱۳۸۴).

شریعتی معتقد بود که، حتی جهان‌بینی دینی و اعتقادات خالص فلسفی دینی، باید در خدمت اهداف نیکوی دنیوی، یعنی سعادت دنیوی قرار گیرند. «نه این

1. Mahathir Mohamad  
2. Osama bin Laden



هستند، بلکه باید آن‌ها را مورد داوری قرار دهند و متناسب با زندگی حال خود، از میان آن‌ها، دست به انتخاب و گزینش بزنند (شریعی، ۱۳۶۱: ص ۸).

بنابراین، نوروز به‌عنوان یکی از سنت‌های ناب ایرانی، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. مباحث صیله رحم، نوشدن طبیعت و سپاسگزاری از نعمات پروردگار، هم بعد فردی دارند و هم بعد اجتماعی. در کنار به‌جای‌آوردن این سنت، احیای سنن دیگر (مانند شب یلدا، جشن مهرگان، جشن سده)، بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و مذهبی و زدودن باورهای غلط می‌تواند مصداق بارز و عملی پیدا کند و از حالت نظری و انتزاعی به حالتی عملیاتی و تجربه‌ای دلنشین تبدیل شده و به نسل جوان منتقل شود.

### ۳. اصل توجه به پویایی تربیت دینی

تربیت دینی، نیازمند تحول همگام با پیشرفت‌هایی است که در علم و دانش و سایر عرصه‌های زندگی بشر صورت می‌گیرد. در حقیقت، نسل امروز بسیاری از عقایدی را که به‌راحتی توسط نسل‌های قبل، پذیرفته شده، زیر سؤال برده و نیازمند دریافت پاسخی منطقی است. روش‌های زیر می‌توانند در پویایی تربیت دینی، مؤثر واقع شوند.

### الف) روش تفکر و تعقل در مسائل دینی

یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند به سازندگی و پویایی تربیت دینی، یاری رساند، پرهیز از تقلید و پیروی ناآگاهانه و تفکر و تعقل در مسائل دینی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان مدرن امروزی، عقل‌ورزی است. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت پیروی بدون معرفت در دین کارساز باشد.

توجه به جنبه عقلانیت در تربیت دینی، در نقطه مقابل عبودیت بی‌چون‌وچرا قرار دارد. به این علت که عبودیت، پذیرش دین نیست. بلکه مستلزم فهم و عقلانیت است. بنابراین، در تمام ابعاد دین مانند اعتقادات، اخلاق، عبادات و احکام، حضور این عقلانیت لازم است. در تربیت دینی، مربی باید اصول بنیادی دین را بر پایه استدلال عقلانی،

### الف) روش بازیابی آداب و رسوم سنتی ایران و

### کشف جلوه‌های اخلاقی آن

سنت‌ها و آداب و رسوم ایرانی برخاسته از فلسفه خاصی است که کشف آن می‌تواند ابعاد اخلاقی آن را بیش از پیش روشن نماید و به تعالی فردی و اجتماعی ختم گردد. برای مثال، نوروز یکی از سنت‌های نیک ایرانی است که قدمت آن به بومیان فلات ایران برمی‌گردد. کهن‌ترین اشاراتی که درباره نوروز وجود دارد، آن را به جمشید نسبت داده‌اند و شرح این آئین در شاهنامه فردوسی آمده است<sup>۱</sup> (فردوسی، ۱۳۴۴: ۲۴-۲۵).

شاید نوروز سنتی زرتشتی تلقی شود، اما شواهد تاریخی چنین نشان نمی‌دهند. به‌نظر می‌رسد بعد از زرتشت نوروز جنبه مذهبی به خود گرفته‌است و از پایان اعمال مذهبی سال پیشین و آغاز فرایض سال نو خبر می‌دهد. در ایران باستان، دو عید بزرگ وجود داشته است، یکی در آغاز پاییز یا عید مهرگان و دیگر در آغاز بهار، عید نوروز که یادآور حیات دوباره بوده‌است.

پس از ورود اسلام، نوروز با ارزش‌های اسلامی انطباق پیدا کرد<sup>۲</sup>. از این‌رو، آیین نوروز، علاوه بر بعد ملی، جنبه دینی به خود گرفته و نیایش و دعای یا مقلب‌القلوب... در زمان تحویل سال خوانده می‌شود (به نقل از اباضری، ۱۳۹۱).

شریعی معتقد است که ملت‌ها نباید کورکورانه از سنت‌ها تقلید کنند، تنها به این دلیل که میراث پدران‌شان

۱. به جمشید بر، گوهر افشاندند مر آن روز را روز نو خواندند

سر سال نو هرزم فرودین بر آسوده از رنج، تن؛ دل، ز کین

بزرگان به شادی بیاراستند می و جام و رامشگران خواستند

چنین روز فرخ از آن روزگار بمانده از آن خسروان یادگار

۲. در زمان خلافت عمر بن خطاب، هر زمان استاندار خوزستان که مسلمان شده بود از شیرینی و دیگر اقلام خوان نوروزی، خوانچه‌ای برای حضرت علی (ع) فرستاد. حضرت از آوردگان پرسید: علت فرستادن این خوانچه کدام است؟ گفتند: موجب فرا رسیدن عید نوروز است. حضرت گفتند: «کل یوم نیروزنا» یعنی هر روز را برایمان نوروز سازید.

را در صورتی نفی می‌کند که آنطور که غرب می‌خواهد از آن‌ها تقلید کنیم، نه آنگونه که خود می‌خواهیم. به این معنی که تقلید برده‌وار را نمی‌پذیرد و معتقد است این تقلید باید تقلیدی منطقی و سازنده باشد. نظیر تقلیدی که شاگرد از معلمش می‌کند تا جاهل نماند و بتواند مسیر ترقی را طی کند.

اگر تبادل فرهنگی و جذب نقاط مثبت فرهنگ‌ها، امری مذموم به‌شمار می‌رفت، پس چگونه است که اعراب با پذیرش اسلام و رو آوردن توحید و دست برداشتن از بت‌پرستی مرتکب خیانت فرهنگی نشدند و از سویی، پیامبر اکرم (ص) هرگز سعی در تخریب فرهنگ آن‌ها نداشت و نتیجه این شد که فرهنگ جدید اسلام با فرهنگ عربی به تعامل رسید؟ (سروش، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

در زمان حاضر، نمی‌توان منزوی ماند و به واسطه بسیاری از کمبودهایی که در زمینه‌های مختلف وجود دارد، باید با کشورهای دیگر ارتباط داشت. اما ارتباطی هوشمندانه، در جهت توسعه اقتصادی، تکنولوژیکی و علمی، همراه با حفظ سرمایه‌های ملی و مذهبی کشور (گلشنی، ۱۳۷۰).

به‌نظر می‌رسد تغییر رویکرد از «مقابله با تهاجم فرهنگی» به «تبادل فرهنگی»، می‌تواند بسیاری از مشکلات ناشی از فرهنگ بیگانه را مرتفع سازد. بهره جستن از واژه تهاجم فرهنگی موجب می‌شود تنها جلوه‌های منفی فرهنگ بیگانه مورد نظر باشد و هیچ وجه مثبتی از آن استخراج نشود. به عبارت دیگر، نگاه حاصل از تهاجم فرهنگی، آسان‌تر از نگاه حاصل از تبادل فرهنگی است. در واقع، در تهاجم فرهنگی، صورت مسئله پاک می‌شود و تنها مقابله و طرد فرهنگ بیگانه، مطرح است. در حالی که نگاه تبادل فرهنگی نیازمند مطالعات فراوان در زمینه شناخت واقعی فرهنگ خودی و شناخت ابعاد مختلف فرهنگ بیگانه و در نهایت ارائه راهکارهایی برای مسامحه آن‌ها است. بنابراین، لازم است در وهله اول نگاه تغییر

آموزش دهد. این مسئله در عصر حاضر و با توجه به اندیشه‌های مختلفی که از جنبه‌های متعدد بر تربیت دینی تأثیرگذار هستند، کار ساده‌ای نیست (باقری، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۳).

شریعتی، بازگشت به خویشتن را چنین تفسیر می‌کند: «بازگشت به فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی، نه به‌عنوان یک سنت، وراثت، یک نظام یا اعتقادی موجود در جامعه؛ بلکه تنها به‌عنوان ایدئولوژی و ایمان سرشار از آگاهی، اثربخش خواهد بود. در حقیقت، تکیه بر احساس موروثی دینی و یا یک احساس خشک روحانی نیست (شریعتی، ۱۳۵۱: ۷). اما اسلام را باید از صورت تکراری و سنت‌های ناآگاهانه‌ای که بزرگترین عامل انحطاط است، به‌صورت یک اسلام آگاهی‌بخش، مترقی و معترض، و به‌عنوان یک ایدئولوژی آگاهی‌دهنده و روشن‌گر مطرح کرد.

در نتیجه، متناسب با دشواری عقلانیت در تربیت دینی، باید مریبان در این زمینه آموزش‌های لازم و مطالعات مقتضی را داشته باشند تا بتوانند به‌جای سرکوبی ذهن پرسش‌گر نسل جوان، با ادله کافی به آن‌ها پاسخ دهند. به این ترتیب، تربیت دینی می‌تواند حرکتی رو به رشد داشته‌باشد و دچار جمود و بی‌حاصلی نشود.

### ب) روش تبادل فرهنگی با فرهنگ‌های دیگر

در جامعه امروز ایران، بحث تهاجم فرهنگی یکی از عناوین مورد توجهی است که در مقالات و تحقیقات زیادی به آن اشاره شده‌است. محتوای اصلی این تحقیقات، بیشتر ناظر بر وجه منفی فرهنگ غرب و مدرن‌شدگی و مقابله با آن است. از جمله پژوهش‌های نوید ادهم (۱۳۷۳)، فرید (۱۳۷۵) و شیرخانی (۱۳۷۶). برخی از محققین نیز بر تبادل فرهنگی تأکید داشته‌اند، از جمله ادیبی (۱۳۷۶) و گلشنی (۱۳۷۰).

شریعتی در کتاب «انسان و اسلام»، بر تقلید آگاهانه و مدبرانه داشته و صراحتاً بیان می‌کند که تقلید از غرب



به وضعیت اقتصادی منحصربه‌فردی دست یافت که ناظران آن را معجزه می‌دانند. بسیاری بر این باور هستند که فرهنگ مالزی، نقش مهمی در این زمینه داشته‌است. همچنین، در زمینه وضعیت توسعه فرهنگی دو کشور ایران و مالزی، کشور مالزی در ۲۴ شاخص از ۳۰ شاخص مورد بررسی، نسبت به ایران برتری داشته و ایران تنها در ۶ شاخص در جایگاه بهتری بوده است.

رهدار (۱۳۹۰)، در تحقیق خود درباره مالزی، اشاره می‌کند که در میان بسیاری از نخبگان دانشگاهی مالزی، عطش اسلام‌خواهی و اسلام‌پژوهی وجود دارد. همچنین شخصیت «ماهاتیر محمد»، نقش مهمی در تقویت اسلام‌خواهی آن‌ها داشته است. از طرفی، ورود آرام و طبیعی اسلام به مالزی؛ امکان حساسیت‌های منفی بی‌مورد به این دین را به صفر رسانده است. فرایند اسلام‌خواهی کشور مالزی را می‌توان اینطور خلاصه نمود: مرحله استعمارستیزی و میل به رهایی از سلطه بیگانه. مرحله جامعه‌سازی و هویت‌سازی به کمک اسلام، به‌عنوان عامل وحدت‌بخش اجتماعی، مرحله نهادسازی و ایجاد نهادهای اسلامی برای اداره کشور و در نهایت، مرحله تمدن‌سازی.

مالزی در آموزش دین با رویکرد تلفیقی، یعنی توجه به مفاهیم دین و اخلاق و حقوق شهروندی، در برنامه درسی، بر آموزه‌های اخلاقی تأکید دارد. در دوره ابتدایی و متوسطه، یکی از درس‌های اجباری در برنامه درسی مالزی، اخلاق و تأکید آن بر جنبه‌های معنوی است، جنبه‌هایی که به پیشرفت کلی انسان متعادل و سازگار از نظر پیشرفت و رشد عقلانی، روحی و عاطفی کمک می‌رساند. برای نمونه، درس‌هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، علوم اجتماعی، ادبیات و مهارت‌های زبان‌آموزی با یکدیگر تلفیق و به‌صورت برنامه درسی، درهم تنیده شده‌اند. در این نظام آموزشی ارزش‌های مورد نیاز عبارت‌اند از: احترام به دیگران، صیانت نفس و سخت‌کوشی، امانت‌داری، احساس مسئولیت و انجام وظیفه، حقیقت‌جویی، پرورش تفکر

نماید و سپس در راستای این تغییر، اقداماتی صورت پذیرد.

### ج) بررسی و بهره‌گیری از الگوی کشورهای اسلامی مدرن

توسعه و پیشرفت هر جامعه، نیازمند بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق است که توانسته‌اند پله‌های ترقی را طی کنند. تجسس در احوال ملل مختلف، از نکاتی است که هم در قرآن و هم در احادیث و روایات بر آن تأکید شده است. در هفت آیه از قرآن با عنوان: «سیروا فی الارض»<sup>۱</sup> و هفت آیه با عنوان: «افلم یسیروا فی الارض»<sup>۲</sup>، به سیر و سیاحت در احوال اقوام مختلف اشاره شده دارد (دانشنامه موضوعی قرآن). در تمام این آیات به سیر و سیاحت در سرزمین‌های مختلف اشاره شده است. این امر منجر به عبرت‌آموزی، علم‌آموزی و درک عظمت و قدرت خداوند در تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که بین ملت‌های مختلف وجود دارد، خواهد شد.

بنابراین، یکی از نکات مهم در زمینه پیشرفت، عبرت‌آموزی و تجسس و تفحص در باب رموز موفقیت کشورهای پیشرفته است. برای مثال، کشورهای اسلامی که در سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری داشته و توانسته‌اند بسیاری از شاخص‌های موفقیت را بالا ببرند، می‌توانند الگوی مناسبی برای ایران تلقی شوند. البته الگوبرداری نیازمند مطالعات عمیق خواهد بود و تقلید محض می‌تواند نتیجه‌ای معکوس داشته باشد.

اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۰)، در بررسی و مطالعه تطبیقی توسعه فرهنگی در کشورهای ایران و مالزی، با اشاره به نقش مهم فرهنگ در توسعه جوامع، کشور مالزی را به‌عنوان موردی که مسیر توسعه را به‌خوبی پشت سر گذاشته، معرفی کرده است. کشوری که با جمعیت محدود، از دوران تاریک استعمار برخاست و

۱. آل‌عمران: ۳۷، انعام: ۱۱، نحل: ۳۶، نمل: ۶۹، عنکبوت: ۲۰، روم: ۴۲، سبأ: ۱۸.

۲. یوسف: ۱۱۰، حج: ۴۶، روم: ۹، فاطر: ۴۴، مومن: ۸۲، محمد(ص): ۱۰.



در خود نهفته دارند. تربیت دینی، به‌عنوان یکی از ارکان مهم جامعه، می‌تواند با اصلاح برخی زیرساخت‌ها و دستیابی به رویکردهای نوین، بر وجوه دیگر فرهنگ اثر گذاشته و آن‌ها را بهبود بخشد. این امر در نتیجه شناخت فرهنگ ملی، آگاهی از نقاط قوت و ضعف و رویکرد گزینشی با فرهنگ غرب حاصل خواهد شد.

در این زمینه پیشنهادات زیر قابل ارائه هستند:

- پرداختن به مسئله پویایی در فرهنگ ایران از منظر هر سه وجه و دلالت‌های آن در تربیت دینی.
- روشن نمودن جلوه‌های تربیتی تربیت دینی و ارائه راهکارهایی به‌منظور بهبود روند تربیت دینی.
- آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر فرهنگ اسلامی، ایرانی و مدرن.

### منابع

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۷۱). «هدایت و ناسیونالیسم». *نشریه علوم انسانی ایران نامه*. شماره ۳۹. آل‌احمد، جلال. (۱۳۴۱). «غریزدگی». *تدوین علی مصطفوی*. نسخه الکترونیک: سایت ketabnak.com. آهنگوب‌نژاد، م. (۱۳۸۸). «مطالعه میزان پابندی دینی جوانان شهر اهواز». *مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*. شماره ۳. ابادری، منیژه. (۱۳۹۱). «پیشینه و فلسفه نوروژ». *ماهنامه حافظ*. شماره ۹۲. ادیب، مصطفی. (۱۳۸۷). «لایه‌های فرهنگ: جهانی شدن، فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی ایران اسلامی». *نامه پژوهش فرهنگی*. سال نهم. شماره ۱. ادیبی، مهدی. (۱۳۷۶). «تبادل یا تهاجم فرهنگی ریشه‌یابی و سیاست‌گذاری». *دانشگاه اسلامی*. شماره ۳. اسماعیلی، رضا؛ قلی‌زاده، آذر و صباحی، ناهید. (۱۳۹۰). «بررسی و مطالعه تطبیقی توسعه فرهنگی در کشورهای ایران و مالزی». *پژوهشنامه*. شماره ۸۵.

منطقی، حفاظت از منابع طبیعی، تقویت همکاری یا توانایی کار با دیگران، آموزش مفهوم دموکراسی، شناساندن هویت ملی و میهن دوستی، شناختن هویت دینی. همچنین، ارائه مطالب با روش حل‌مسئله انجام می‌گیرد و دانش‌آموزان خود به دنبال کشف و حل مسئله هستند. همچنین، پیروان ادیان دیگر در کشور مالزی، موظف به دریافت آموزش دینی و اخلاقی متناسب با دین خود، هستند (شعبانی، ۱۳۸۴).

در نتیجه بررسی شیوه‌های آموزش دینی در کشورهای اسلامی موفق، نحوه ارتباط این آموزش‌ها با زندگی و مصداق‌های آن در اجتماع، نحوه تعامل آن‌ها با فرهنگ غرب و مدرن‌شدگی و درعین‌حال، حفاظت از میراث ملی مذهبی خود، می‌تواند درس‌های فراوانی برای ایران داشته باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با در نظر گرفتن نسبت‌های مختلفی که میان دین و فرهنگ می‌تواند وجود داشته باشد، دین، به‌عنوان یکی از نظام‌های فرهنگ در نظر گرفته شده که در سطوح مرکزی و در بخش جهان‌بینی و ارزش‌ها، ایفای نقش می‌کند و دائماً در تبادل و داد و ستد با سایر جنبه‌های فرهنگ است. همچنین، با در نظر داشتن این امر که فرهنگ ایران متشکل از سه وجه ملی، مذهبی و مدرن است، دو نوع رویکرد تفوقی و امتزاجی مورد بحث قرار گرفت و در هر کدام، چالش‌هایی مطرح شد. سرانجام، با دفاع از رویکرد امتزاجی، اصول و روش‌هایی در راستای دستیابی به این رویکرد ارائه شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که این سه وجه فرهنگ ایران، در تعاملی مداوم با یکدیگر قرار دارند و اگرچه در سطوح مختلفی ایفای نقش می‌نمایند، اما درهم تنیده هستند و به نحوی در یکدیگر امتزاج یافته‌اند. طوری که، کمتر می‌توان مرز آن‌ها را تشخیص داد. به‌عبارت‌دیگر، تمام امور فرهنگی در ایران، هر سه جنبه را



- الیاده، میرچاد. (۱۳۷۴). «فرهنگ و دین». ترجمه بهاء‌الدینی خرمشاهی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امام خمینی (ره). «صحیفه نور». جلد ۹.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۶). «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی». تهران: انتشارات مدرسه.
- بشیری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). «نگاهی روان‌شناختی به آسیب‌شناسی دین‌باوری جوانان». مجله معرفت. شماره ۸۴.
- پیروزمند، علیرضا. (۱۳۸۵). «الگوی طبقه‌بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور». مجله مهندسی فرهنگی. بهمن و اسفند. شماره ۶ و ۷.
- تکمیل‌همایون، ناصر. (۱۳۸۵). «آموزش و پرورش در ایران». تهران: انتشارات پژوهش فرهنگی.
- توسلی، غ و مرشدی، الف. (۱۳۸۵). «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه امیرکبیر)». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره هفتم. شماره ۲.
- ثاقب‌فر، مرتضی. (۱۳۸۳). «ایران باستان و هویت ایرانی؛ ایران، هویت ملیت قومیت». به کوشش حمید احمدی. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ثلاثی، محسن. (۱۳۷۹). «جهان ایرانی و ایران جهان». تهران: نشر مرکز.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۸۱). «موج چهارم». تهران: انتشارات نی.
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵.
- حسین‌زاده، امیدعلی و مشرفی، هاشم. (۱۳۸۹). «تحلیل عاملی عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر)». زن و مطالعات خانواده. سال دوم. شماره ۷.
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۷۹). «درباره غرب». تهران: انتشارات هرمس.
- داوودی، محمد. (۱۳۸۳). «تربیت دینی». تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلشادتهران، مصطفی. (۱۳۷۷). «سیری در تربیت اسلامی». چاپ سوم. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۹۱). «مشکل هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ». تهران: نشر نی.
- رهدار، احمد. (۱۳۹۰). «بیداری اسلامی و بررسی تطبیقی ظرفیت‌های ایران و مالزی برای الگوی تمدنی جهان اسلام». پانزده خرداد. دوره سوم. سال نهم. شماره ۳۰.
- زریری، رضا. (۱۳۸۴). «تجددگرایی و هویت ایرانی در عصر پهلوی». ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر. سال چهارم. شماره ۴۰.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۴). «از شریعتی». تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۰). «سه فرهنگ در: رازدانی و روشنفکری و دینداری». تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۳). «متدولوژی فهم هویت ملی، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران». گردآورنده داود میرمحمدی. تهران: تمدن ایرانی.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۴). «موانع فرهنگی تجدد در کشورهای اسلامی». فصلنامه مطالعات ملی. سال ششم. شماره ۱.
- شایگان، داریوش. (۱۳۷۰). «افسون‌زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار». ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: فرزانه روز.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۶). «اصول تعلیم و تربیت». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



- شریعتی، علی. (۱۳۵۱). «بازگشت به خویشتن». نسخه الکترونیک در سایت: [ketabnak.com](http://ketabnak.com).
- شریعتی، علی. (۱۳۹۰). «بازگشت به خویشتن». نسخه الکترونیک در سایت [ketabnak.com](http://ketabnak.com).
- شریعتی، علی. (۱۳۶۱). «انسان و اسلام». گردآوری سعید یسایی. نسخه الکترونیک در سایت: [ketabnak.com](http://ketabnak.com).
- شریعتی، علی. (۱۳۸۹). «انسان و اسلام». گردآوری سعید یسایی. نسخه الکترونیک در سایت [ketabnak.com](http://ketabnak.com).
- شعبانی، زهرا. (۱۳۸۴). «بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان». تعلیم و تربیت. شماره ۸۳.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۳). «مبانی و اصول آموزش و پرورش». مشهد: آستان قدس رضوی.
- شیرخانی، علی. (۱۳۷۶). «رهیافت شهید مطهری در قبال تهاجم فرهنگی غرب». پانزده خرداد. دوره اول. شماره ۲۶ و ۲۷.
- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۶). «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی». فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم. شماره ۲۹.
- صالحی عمران، ابراهیم و رضایی، احمد. (۱۳۸۷). «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی». فصلنامه مطالعات ملی. سال نهم. شماره ۳.
- طالبی، س. (۱۳۷۸). «تحول هویت ملی دانش‌آموزان دختر دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- عبدی، عطاءالله و لطفی، مریم. (۱۳۸۷). «جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: کتب تاریخ دوره دبیرستان». فصلنامه مطالعات ملی. سال نهم. شماره ۳.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۴۴). «شاهنامه». نسخه الکترونیک. فرم‌هینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۳). «پست‌مدرنیسم و تعلیم و تربیت». تهران: انتشارات آبیژ.
- فرید، یدالله. (۱۳۷۵). «جغرافیای فرهنگی و تهاجم فرهنگی». تحقیقات جغرافیایی. شماره ۴۱.
- فیاض، ایراندخت. (۱۳۸۷). «بررسی فراتحلیلی محتوای کتاب‌های درسی در رابطه با ارزش‌های اسلامی-ایرانی». فرهنگ و علم. سال اول. شماره ۱.
- کاظمی، عباس. (۱۳۸۳). «جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران». تهران: انتشارات طرح نو.
- کانت، امانوئل. (۱۳۶۳). «تعلیم و تربیت». ترجمه غلامحسین شکوهی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کبیری، افشار. (۱۳۸۹). «بررسی تحولات تاریخی هویت ملی در ایران». پژوهشنامه. شماره ۵۹.
- گلشنی، مهدی. (۱۳۷۰). «تبادل یا تهاجم فرهنگی». کیهان فرهنگی. شماره ۷۹.
- گوتگ، جرال د لی. (۱۳۸۴). «مکاتب فلسفی و آرای تربیتی». ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت. تهران: انتشارات سمت.
- گیویان، عبدالله. (۱۳۸۶). «کلیفورد گیرتز و دیدگاه تفسیری او در باب دین و فرهنگ». مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره ۱۰.
- لقمان‌نیا، مهدی و خاسمان، احمد. (۱۳۸۹). «جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران». فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره سوم. شماره ۲.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). «تعلیم و تربیت اسلامی». تهران: انتشارات صدرا.
- ملاصادقی، منیره. (۱۳۷۸). «نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل‌دهی هویت ملی دانش‌آموزان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۷۰). «تعلیمات دینی مقطع ابتدایی». نشریه تعلیم و تربیت. شماره ۲۷ و ۲۸.



Carr, Dr (1998), "*Tree Approaches to Moral Education*", Educatio, philosophy, and theory, New York.

Geertz, C. (1971). "*Islam Observed Religious Development in Marocco and Indonesia*", The University of Chicago press.

Geertz, C. (1973), "*The Interpretation of Cultures*": Selected Essays, New York: Basic Books.

[www. maarefquran.org. /index. php/](http://www.maarefquran.org/index.php/page/viewArticle/LinkID,5385)  
page, view Article/Link ID, 5385.

نوید ادهم، مهدی. (۱۳۷۳). «بررسی زمینه‌های اجتماعی تهاجم فرهنگی». تربیت. شماره ۸۸.